

انتشار کتابی درباره رابطه سینما و سیاست

همان‌طور که سال ۱۹۶۸ در سطح اجتماعی و سیاسی چشم جامعه را گشود و بر امکان تحقق چیزی دیگر تأکید کرد، در سطح سینما نیز فیلم‌سازان را بر آن داشت تا هم‌راستا با دانشجویان و کارگران، این امکان را در عرصه‌ی بیانی خود سینما جست‌وجو کنند.

به گزارش سایت خبری پرسون، کتاب «۱۹۶۸ و سینمای جهانی» به ویراستاری کریستینا گرهارت و سارا سلجوقی به سرپرستی شاهین محمدی زرغان در نشر رایبد در ۴۸۹ صفحه ترجمه شده و با قطع وزیری به قیمت ۵۰۰ هزار تومان منتشر شده است.

مه ۱۹۶۸ به‌عنوان رویداد و نه انقلاب، با انحراف از قاعده‌های موجود به گشایش در عرصه‌ی امکان‌ها انجامید. وضعیتی که در آن پدیده‌های مستقل به هم پیوند می‌خورند. به قول دلوز و گتاری مه ۱۹۶۸ رخ نداد اما در برگیری مشخصه‌های یک رویداد به آن پتانسیل انقلابی بخشید که نمی‌توان به سادگی از آن عبور کرد؛ زیرا به اعماق جامعه رسوخ کرده است. همان‌طور که سال ۱۹۶۸ در سطح اجتماعی و سیاسی چشم جامعه را گشود و بر امکان تحقق چیزی دیگر تأکید کرد، در سطح سینما نیز فیلم‌سازان را بر آن داشت تا هم‌راستا با دانشجویان و کارگران، این امکان را در عرصه‌ی بیانی خود سینما جست‌وجو کنند.

از آنجایی که ۱۹۶۸ را نه یک دوره‌ی یک‌ساله بلکه دوره‌ای طولانی از اوایل دهه‌ی ۱۹۶۹ تا اواسط دهه‌ی ۱۹۷۰ میلادی در نظر می‌گیرند، کتاب «۱۹۶۸ و سینمای جهانی» با تمرکز بر مجموعه‌ای گسترده از نیروهای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و هنری و تأثیر گفتمان ضد استعماری و جنبش‌های بین‌المللی در پیوند با فرهنگ‌های سینمایی، سیاست، زیبایی‌شناسی و رویداد مه ۱۹۶۸ را رمزگشایی می‌کند. همچنین، این کتاب توجه خود را از فرانسه به‌عنوان کانون این رویداد به سطح جهانی‌تری می‌گستراند و با بازاندیشی در سینمای جهانی، حاشیه را نیز به متن پژوهش‌ها در مقام امر جهانی بازمی‌گرداند. هر مقاله با ارائه‌ی خوانش‌های جدیدی از رابطه‌ی سینما با «سال ۱۹۶۸ طولانی» و کنار هم‌گذاری رویکردهای متفاوت، درک پژوهشگران و علاقه‌مندان سینما را متحول کرده و آنان را به بازنگری در رابطه‌ی سینما و سیاست سوق می‌دهد.

در بخشی از مقاله «ابهام و فرم آنتولوژی نارابطه و لذت در فیلم عشق و غضب» نوشته مائورو رسمینی ترجمه مسعود سعیدی مقدم می‌خوانیم: «در واقع، وسوسه می‌رسم که بگویم عشق و غضب امر جهانی را در جایگاه «دیگری» سال ۱۹۶۸ آشکار می‌کند: «امر جهانی» هم در جایگاه «دیگری» دچار فقدان است و در نتیجه ناپیوستگی‌ها و نارابطه بی‌ارزش شده؛ و هم تضمین و پشتوانه امیال سیاسی آن رویداد است. همچنین سال ۱۹۶۸ را نقطه عطف تاریخی می‌دانیم؛ دورانی که سرمایه‌داری موفق شد دوباره خود را به‌شکل ریشه‌ای بازبایی کند و به این «دیگری جهانی» امکان داد تا برای لذتی که ویژگی سرمایه‌داری متأخر است، به قانون سوپراگویی تبدیل شود. عشق و غضب درون این دوگانگی قرار گرفته است؛ دوگانگی میان میل به ایجاد چشم‌اندازی وحدت‌بخش برای نموده‌های گوناگون ژئوپلیتیکی مبارزه (۱۹۶۸ جهانی)؛ و شناخت و برجسته‌سازی این نارابطه (همراه با لذت‌هایی که آنها را انباشته است.) با اندیشیدن به رویداد از دیدگاه میل و لذت، عشق و غضب ابهام و تیرگی سال ۱۹۶۸ را دوباره برای ما آشکار می‌کند؛ آن هم در برابر بسیاری از گفتمان‌های معاصر که می‌خواهند یک بار برای همیشه بگویند آن رویداد چه بود، چه معنایی داشت و چه چیزی از آن باقی مانده است.»